

دومین کشور شیعه‌ی جهان در بند دولتی سکولار

«الهام علی اف» گویا قصد دارد هر گونه که شده اسلام را از کشوری بزدايد که قریب 93 درصد آن را مسلمین تشکیل می‌دهند

well/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

این روزها، کمتر روزی است که بی‌اخباری از آذربایجان بگذرد؛ گویا دست‌هایی پنهان و آشکار برای حذف اسلام از کشوری که 93 درصد آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، کمر همت بسته‌اند. این مطلب گفتگویی تحلیلی با «برهان حشمتی»، مدیر سیمای آذری شبکه‌ی جهانی سحر در خصوص آخرین اخبار از حادثه‌ی ایی است که زیر پوست آذربایجان جریان دارد... این روزها، کمتر روزی است که بی‌اخباری از آذربایجان بگذرد؛ «الهام علی اف» گویا قصد دارد هر گونه که شده اسلام را از کشوری بزدايد که قریب 93 درصد آن را مسلمین تشکیل می‌دهند. به بهانه‌ی افزایش اسلام ستیزی از سوی دولت آذربایجان، با «برهان حشمتی»، مدیر سیمای آذری شبکه‌ی جهانی سحر به گفتگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

*** همان طور که مستحضر هستید، امواج بیداری اسلامی منطقه را درنوریده است. اما به نظر می‌رسد که آذربایجان آن چنان که باید و شاید از این امواج تأثیر نپذیرفته است و مسلمانان این کشور هر روز بیش از پیش با محدودیت مواجه می‌شوند؟ ارزیابی شما از تحولات آذربایجان چیست؟ و علت اهمیت این تحولات را چه می‌دانید؟**

نکته‌ی حایز اهمیت در خصوص آذربایجان، به اصطلاح زیر پوستی بودن تحولات آن است، یعنی با توجه به مراسم عاشورای امسال در «نارداران» می‌توان دریافت گرچه اقدام‌ها، بخش‌نامه‌ها و قوانینی که دولت آذربایجان اعمال می‌کند نشان‌دهنده‌ی قهقرا و مقابله با بیداری اسلامی است ولی خوشبختانه جریانی که در مردم جاری و ساری است، نشان‌دهنده‌ی بیداری عمیق اسلامی در جمهوری آذربایجان است. این را در مضمون نوحه‌ها و محتوای شعارهایی که در مراسم عاشورای نارداران کنار زیارتگاه «بی‌بی رحیمه» (خواهر امام رضا(علیه‌السلام)) برگزار شد، می‌توان به عینه مشاهده کرد.

به برکت تعالیم نهضت عاشورا و مراسم‌های ویژه‌ی آن، مردم آذربایجان به رغم تمام فشارها و محدودیت‌های 20 سال اخیر، در حال بیداری هستند. اما این که آذربایجان چه اهمیتی دارد، وجوه مختلفی می‌تواند داشته باشد. بنده آذربایجان را ادامه‌ی ایران می‌دانم. از زمانی که آذربایجان به ناحق با معاهده‌های ننگین «گلستان» و «ترکمانچای» از ایران جدا شده است، مدت زیادی نمی‌گذرد. این نشان می‌دهد ما همان قدر که در مورد مردم خودمان مسؤولیت داریم، در مورد مردم آذربایجان نیز مسؤول هستیم.

وجه دوم آن که این کشور یک کشور شیعه است. شیعیان آن جا 70 سال از سوی کمونیسم مورد ظلم واقع شدند، ابتدا توسط روسیه تزاری و هم‌اکنون نیز از سوی جریان صهیونیسم مورد ظلم قرار گرفته‌اند که بسیار خطرناک‌تر از کمونیسم می‌باشد. مردم در مقابل کمونیسم 70 سال مقاومت کردند، تلفات دادند، علما به زندان افتادند، تبعید شدند، تیرباران شدند و مردم در خفقان و ترس ننگه داشته شدند. به واقع سختی‌ها و مصائبی که کمونیسم بر سر مردم آذربایجان آورد، بسیار دردناک است و وقتی انسان در این باره صحبت می‌کند، دلش به درد می‌آید و می‌خواهد به هر شکل ممکن تأثر خود را نشان دهد و به آن‌ها کمک کند. اکنون این مردم تحت ظلم و ستم، از ملت ایران انتظار دارند در جایگاه برادر دینی به آن‌ها یاری رساند.

ما همان طور که از فلسطین و سایر مظلومان جهان حمایت می‌کنیم می‌بایست از مردم آذربایجان نیز حمایت کنیم چرا که آذربایجان مانند برادری است که به ناحق از ما دور شده و هم‌اکنون نیز مورد طمع دشمنان واقع گردیده است؛ دشمنانی که دشمن ما و جهان اسلام نیز هستند. این دشمنان می‌خواهند از آذربایجان به عنوان نقطه‌ای برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی و کشورهای اسلامی بیدار شده در منطقه استفاده نمایند.

برای تمام کسانی که مسایل آذربایجان را دنبال می‌کنند به عنوان یک اصل محرز شده که دشمنان سعی دارند تمامی نقاط مشترک این جمهوری را با جمهوری اسلامی به نقطه‌ی افتراق و دشمنی تبدیل کنند و تمامی پیوندهای تاریخی، فرهنگی، دینی و زبانی این دو کشور را طوری تعبیر و تفسیر نمایند که به دوری و جدایی بینجامد.

*** شما به احساسات مذهبی مردم در عزاداری عاشورای امسال در آذربایجان اشاره کردید. به نظر شما چه طور می‌شود با وجود چنین مردمی با احساسات مذهبی بالا، دولتی سرکار می‌آید که به عنوان مثال پخش اذان را از بلندگوها ممنوع می‌کند، نشانه‌های مذهبی ام از مهر، تسبیح و قرآن را از اداره‌ها جمع می‌نماید، عزاداری سیدالشهدا را ممنوع می‌کند، دست به تخریب مساجد می‌زند و هم‌اکنون در اقدامی جدید به بهانه‌ی یکسان سازی پوشش، حجاب را در محیط‌های آموزشی ممنوع می‌نماید؟**

این دولت در حقیقت، خواسته‌ی مردم نیست. اگر می‌خواهید این موضوع برایتان ملموس‌تر شود، دوران ایران را قبل از انقلاب اسلامی به یاد آورید. چه طور شده بود که ملت مسلمان ایران اسیر سیاست کشف حجاب «رضا خان» شده بودند. حتی بنده معتقدم دولت فعلی جمهوری آذربایجان، شباهت بسیار زیادی به دولت «محمدرضا» دارد؛ یعنی به لحاظ فرهنگی و ترویج بی‌بندوباری همان رویکرد را داراست؛ به لحاظ سیاست خارجی و نزدیکی با غرب و اسرائیل نیز همان مسیر را طی می‌کند؛ به لحاظ نمایش زرق و برق و مدرنیزاسیون نیز عملکرد مشابهی دارد.

اکنون ملت آذربایجان نیز شرایط مشابه ایران دوران رضاخان را تجربه می‌کند. در جمهوری آذربایجان با هر عادتی که نشان‌دهنده‌ی اسلامیت باشد، برخورد می‌گردد ولی باید دانست که ماشین سرکوب کمونیسم با تمامی ادعایش نتوانست اعتقادهای اسلامی و شیعی این مردم را از بین ببرد. هم‌اکنون اذان ممنوع می‌شود اما مردم شیوه‌های جدیدی برای اذان گفتن پیدا می‌کنند؛ عزاداری ممنوع می‌شود اما مردم راه‌های دیگری برای ارادت خود به امام حسین(علیه‌السلام) پیدا می‌کنند؛ حجاب ممنوع می‌شود، مردم بیش‌تر راغب می‌گردند که حجابشان را حفظ کنند.

*** در آذربایجان اقلیت‌های مذهبی دیگری نیز وجود دارند اما به نظر می‌رسد با چنین محدودیت‌هایی که شیعیان با آن مواجه هستند رو به رو نیستند. علت این برخورد تبعیض آمیز دولت آذربایجان چیست؟**

شاید ریشه‌ی این برخورد تبعیض آمیز را بتوان در دو عامل جست‌وجو کرد؛ یکی خارجی و دیگری داخلی. عامل خارجی به نفوذ تفکر صهیونیسم در دولت آذربایجان باز می‌گردد. هر بار که سران رژیم صهیونیستی به آذربایجان سفر می‌کنند، بلافاصله و به طور نامتعارفی تحولاتی در آذربایجان رخ می‌دهد و عرصه بر شیعیان این کشور تنگ‌تر می‌شود.

عامل داخلی به تأثیرات به‌جای مانده از تفکر کمونیسم در آذربایجان بر می‌گردد. به هر حال کمونیسم 70 سال در این کشور حاکم بوده است و تلاش کرده که از راه کتاب‌های ایدئولوژی خود را در ذهن مردم القا کند. رسوباتی از این القائات هنوز در ذهن عده‌ای از مردم به خصوص افراد نسل‌های قبلی، باقی مانده است به طوری که هنوز برخی سران آذربایجان وقتی در اینترنت یا فیس‌بوک می‌خواهند خود را معرفی کنند از اصطلاح «آنتیست» یا «بی‌خدا» استفاده می‌کنند.

*** آیا پیوستن آذربایجان به اتحادیه‌ی اروپا نمی‌تواند یکی از عوامل دیگر باشد؟ زیرا هر کشوری که می‌خواهد به این اتحادیه بپیوندد باید یک سری استانداردها را رعایت کند؟**

بله، به طور قطع این طور است. پس از آن که شوروی فروپاشید و آذربایجان اعلام استقلال کرد، متأسفانه هم‌گرایی با غرب خط اصلی سیاست خارجی آذربایجان گردید. به طور مشخص اولین تشکیلات اروپا که آن‌ها توانستند وارد آن شوند، اتحادیه‌ی اروپا بود. اتحادیه‌ی اروپا پیش‌شرط‌هایی را برای آذربایجان مطرح نمود، مانند آن که برخی از بندهای قانون جزای جمهوری آذربایجان باید عوض شود، از جمله قانون مربوط به همجنس‌گرایی.

چند سالی است آذربایجان به اتحادیه‌ی اروپا پیوسته و قرار بود این پیوستن ضامن حفاظت از حقوق شهروندان این کشور باشد اما همان طور که شاهد هستیم آذربایجان یکی از کشورهایی است

که حقوق بشر به نحو گسترده ای نقض می شود. حرکت هایی که در آذربایجان برضد اسلام انجام می شود در واقع گام هایی است به سوی نزدیک تر شدن به غرب و اتحادیه ی اروپا. در ترکیه هم از زمان آتاتورک همین اقدام ها آغاز گردیده بود. به رغم تمامی این ها، وقتی غرب و اتحادیه ی اروپا می بینند نمی توانند مردم را عوض کنند، هم چنان مانع از عضویت آذربایجان می شوند. به هر حال عضویت در این نهادها یک سری امتیازهای ظاهری و مادی به همراه دارد که البته در مرحله ای متوقف می گردد.

به هر شکل، حاکمیت های این دو کشور یعنی جمهوری آذربایجان و ترکیه برای دست یافتن به آن امتیازها به سوی اتحادیه ی اروپا رفتند هر چند استانداردهای این اتحادیه با اعتقادهای مردمشان مغایر باشد. اما علی رغم تمام محدودیت هایی که دولت آذربایجان برای دینداران ایجاد می کند نه تنها تعداد دینداران کاهش نیافته بلکه افزایش نیز یافته است. تعداد افراد محجبه و کسانی که در نماز جماعت و نماز جمعه شرکت می کنند نیز بیش تر شده است. به طور کل گرایش به اسلام با تمام فشارهایی که از سوی دولت آذربایجان اعمال می شود، افزایش یافته و گام هایی که برای عضویت در اتحادیه ی اروپا و هم گرایی با غرب برداشته می شود، (انشاءالله) مؤثر نخواهد شد.

*** واکنش مردم نسبت به این اقدام های دولت چه بوده است؟ آیا مقاومت های سازمان یافته ای از سوی مردم صورت گرفته است؟**

خوشبختانه واکنش های خودجوشی از سوی مردم شکل گرفته است. هم چنین علی رغم شرایط خفقان آور حاکم بر آذربایجان، تشکل های اسلامی شروع به فعالیت کرده اند از جمله «حزب اسلام، جمعیت جمعه، جمعیت ارزش های ملی معنوی و جمعیت وحدت». شیوه های «ک. گ. ب» ای (KGB) حالا با نامی دیگر هم چنان وجود دارد؛ با همان تشکیلات، همان ساختمان، همان شیوه ها، همان اقدام های ضدانسانی برای سرکوب عقاید دینی. این مسایل باعث می گردد که از شدت اقدام های سازمان یافته کاسته شده اما اقدام های خودجوش مردمی هم چنان به قوت خود باقی است.

در روز عید غدیر امسال، مراسم بسیار مجلل و باشکوهی در «گنجه» برگزار شد که منجر به دستگیری تعداد زیادی از مردم گردید اما از آن جا که جرمی جز شرکت در مراسم عید غدیر نداشتند، مجبور شدند آن ها را آزاد کنند. با نزدیک شدن به ایام محرم، دوباره دستگیر شدگان را فرا خواندند و به آن ها هشدار دادند که اگر بار دیگر برای عزاداری به خیابان ها بیایند به جای چند روز، چند سال به زندان محکوم می شوند. اما با آغاز ماه محرم، بار دیگر تجمع های مذهبی در خانه ها و مساجدی که از سرکوب کمونیسم گذشته و از حاکمیت تحت سلطه ی صهیونیسم کنونی جان سالم به در برده بودند، شکل گرفت.

در روز تاسوعا با وجود ممنوعیت به راه انداختن دسته های عزاداری، این دسته ها به خیابان ها آمدند. متأسفانه تنها کشوری که در آن، عزاداری ممنوع است، جمهوری آذربایجان است، حتی در آمریکا، انگلیس و سرزمین های اشغالی این کار ممنوع نیست. این مسأله هم دردناک و هم مضحک و خنده دار است. چه طور ممکن است در کشوری که دومین کشور شیعه ی دنیا است یعنی از 93 درصد جمعیت این کشور که مسلمان هستند، 65 تا 75 درصد را شیعیان تشکیل می دهند؛ عزاداری امام حسین(علیه السلام) ممنوع باشد.

به هر حال با وجود این ممنوعیت های دولتی و رسمی، روز تاسوعا خبر رسید که در گنجه عده ای از خانم ها دسته ی عزاداری خود را در خیابان به حرکت در آورده اند؛ گنجه ای که به نسبت سایر مناطق آذربایجان از جمله «باکو» از اختناق بیش تری رنج می برد و این باعث گردید که دسته های عزاداری در سایر نقاط نیز مانند نارداران در کنار حرم بی رحیمه (خواهر امام رضا(علیه السلام)) دسته های عزاداری خود را روانه ی خیابان ها نمایند.

*** همان طور که مستحضر هستید، چهار کشور وجود دارند که اکثر جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهند؛ ایران، آذربایجان، عراق و بحرین. در مورد بحرین خوشبختانه مردم ما با آگاهی هایی که از رسانه ها دریافت کرده اند، حساسیت لازم را پیدا کرده اند ولی به نظر می رسد در مورد آذربایجان مردم ما هنوز این حساسیت را نیافته اند. صرف نظر از دستگاه دیپلماسی کشور که در بحث بیداری اسلامی چندان موفق عمل نکرده است، وظیفه ی ما در برابر به تعبیر شما این برادران دینی چیست؟**

این رسالت، امروز بر عهده ی رسانه هاست. دستگاه دیپلماسی ممکن است ملاحظه های خاص خود را داشته باشد هر چند هیچ ملاحظه ای نمی تواند مانع از حمایت ما از برادر دینی مان گردد. هر ملاحظه ای باید به این سمت سوق داده شود که ما از اسلامیت، انسانیت و آزادی برادران دینی مان دفاع می کنیم. درباره ی بحرین اطلاع رسانی خوبی از سوی صدا و سیما صورت گرفت اما در مورد جمهوری آذربایجان چنین کاری انجام نشده است.

رسانه ها باید این خلأ را پر کنند. خوشبختانه در این اواخر وضعیت اطلاع رسانی بهتر شده است. در گذشته فقط بخش آذری شبکه ی سحر در این زمینه فعالیت می کرد که استفاده از آن مستلزم داشتن ماهواره و بلد بودن زبان آذری آن هم با لهجه ای خاص بود اما هم اکنون برخی از رسانه ها وارد عمل شده اند.

هر جمعه نیز امام جمعه ی تبریز و اردبیل به تحولات آذربایجان اشاره می کنند. در مراسم عاشورای امسال اردبیل که به طور زنده از شبکه ی 4 صدا و سیما پخش شد، مردم برای رهایی برادران آذربایجانی و بحرینی از ظلم و جور حاکمانشان دست به دعا برداشتند. در تبریز هم وضعیت همین گونه بوده است. باید این شروع خوب را مرتب توسعه و گسترش داد. برای ملت ایران زینده نیست که کنار گوشش و در منطقه ی مهمی که تا 200 سال پیش جزئی از خاکش بوده، اتفاقاتی بیفتد و او از آن ها بی خبر باشد. ما باید بدانیم همان کسانی که آن جنایات را نسبت به برادران ما در فلسطین انجام می دهند در آذربایجان هم این کار را به شیوه ی دیگری انجام می دهند.

با تشکر از این که وقت خود را در اختیار «برهان» قرار دادید.

پایان پیام.